

جزء بیستم

این جزء از آیه 56 سوره نمل آغاز و تا آیه
45 سوره عنکبوت ادامه دارد.

در این جز سوره نمل و قصص و بخشی از عنکبوت قرار دارد.

ahlolbait.com

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ
قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾

پس جواب قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از
شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنان مردمانی اند که همواره خواهان
پاکی اند. (۵۶)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾

پس او و خانواده اش را نجات دادیم مگر همسرش را که مقدر کرده بودیم در باقی ماندگان [در شهر برای هلاکت بماند]. (۵۷)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا^ط فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ ﴿٥٨﴾

و بارانی از [سنگ گِل] بر آنان بارانیدیم، پس بد بود باران بیم

داده شدگان. (۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ^{قُلْ} اللَّهُ خَيْرٌ
أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست، و درود بر آن بندگان که آنان
را برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک او قرار
می‌دهند؟ (۵۹)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا
شَجَرَهَا ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِلَهُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید، و برای شما از آسمان آبی نازل کرد که به وسیله آن باغ‌هایی خرم و با طراوت رویانیدیم، که رویاندن درختانش در قدرت شما نیست؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ نه، نیست]، بلکه آنان مردمی منحرف‌اند [که برای او شریک می‌گیرند.] (۶۰)

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ
لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۖ أَلَيْسَ اللَّهُ بِ
أَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجوداتش] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف‌هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه‌هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلش نلرزد]، و میان دو دریا [ی شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند]؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند. (۶۱)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه وقتی در مانده ای او را بخواند اجابت می کند و آسیب و گرفتاریش را دفع می نماید، و شما را جانشینان [دیگران در روی زمین قرار می دهد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست] که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟! [اندکی متذکر و هوشیار می شوند. (۶۲)]

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
 بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ أَلَيْهَ ٱلْأُتَىٰ ٱلْعَالَمُونَ
 يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا [به
 وسیله ستارگان و دیگر نشانه‌ها] راهنمایی می‌کند؟! و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش
 بادها را مژده رسان می‌فرستد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و
 ربوبیت او باشد؟!] خدا برتر است از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند. (۶۳)

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه مخلوقات را می آفریند، آن گاه آنان را [پس
از مرگشان] باز می گرداند؟! و کیست آنکه از آسمان و زمین شما را روزی می دهد؟ آیا
با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟] بگو: اگر
راستگویید دلیل خود را بیاورید. (۶۴)

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ج
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾

بگو: در آسمان‌ها و زمین هیچ کس جز خدا غیب نمی‌داند،
و آنان آگاهی ندارند چه زمانی برانگیخته می‌شوند؟ (۶۵)

بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا ۚ بَلْ
هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾

بلکه دانش و آگاهی آنان نسبت به آخرت [به خاطر هزینہ کردن
عمرشان در امور مادی] به پایان رسیده، بلکه درباره آخرت در
تردیدند، بلکه اینان از [فہم] آن کور دل اند، (۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنِنَّا
لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾

و کافران گفتند: آیا زمانی که ما و پدرانمان خاک شدیم به
راستی ما را از آن [زنده] بیرون می آورند؟ (۶۷)

لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

همانا پیش از این [زنده بیرون آمدن از خاک را] به ما و پدرانمان وعده
داده‌اند، ولی این مطلب جز افسانه خرافی پیشینیان نیست! (۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام
گنهکاران چگونه بود؟ (۶۹)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

و بر آنان [که با حق دشمنی می کنند] اندوه مخور و از
نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتنگ مباش. (۷۰)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾

و می گویند: اگر راستگویید این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟ (۷۱)

قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي
تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾

بگو: امید است بخشی از آن عذابی که رسیدنش را با شتاب
می خواهی، دنبال شما باشد، (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

و یقیناً پروردگارت بر مردم دارای فضلی بزرگ است، ولی
بیشترشان سپاس نمی گزارند، (۷۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾

و به راستی پروردگارت آنچه را سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و
آنچه را آشکار می‌کند، می‌داند، (۷۴)

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ
مُبِينٍ ﴿٧٥﴾

هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر
آنکه در کتابی روشن [چون لوح محفوظ] است. (۷۵)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

بی تردید این قرآن بیشتر آنچه را بنی اسرائیل [از روی
جهالت] در آن اختلاف دارند، برای آنان بیان می کند، (۷۶)

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

و یقیناً قرآن برای مؤمنان، سراسر هدایت و رحمت است. (۷۷)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾

قطعاً پروردگارت [روز قیامت] به حکم خود میان بنی اسرائیل
[در آنچه از امور دینی و معنوی اختلاف دارند] داوری می کند؛ و
او توانای شکست ناپذیر و داناست. (۷۸)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿۷۹﴾

پس بر خدا توکل کن؛ زیرا تو [متکی بر آیین] حق آشکاری. (۷۹)

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا
مُذْبِرِينَ ﴿٨٠﴾

بی تردید تو نمی توانی [دعوت را] به مردگان بشنوانی، و نیز
نمی توانی آن را به کران که پشت کنان روی برمی گردانند
بشنوانی، (۸۰)

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۖ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ
يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهی شان نیستی، و نمی توانی
[دعوت را] جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسلیم
[فرمان ها و احکام] خدا هستند، بشنوانی. (۸۱)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ
تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾

و هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان حتمی و لازم شود، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید [تا به آیات ما و آخرت و اصول آن یقین کنند]؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را
تکذیب می کنند، محشور می کنیم و آنان را [از حرکت] باز
می دارند [تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند،] (۸۳)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا
أَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

تا وقتی که [به محل حساب] آیند، [خدا] می گوید: آیا آیات مرا
تکذیب کردید در حالی که هیچ احاطه علمی به آنها نداشتید؟ یا شما
[غیر از تکذیب آیات] چه کارها [ی دیگری] انجام می دادید؟ (۸۴)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾

و به سبب ستمی که [به آیات ما] روا داشتند، عذاب ما بر آنان
حتمی و لازم می شود، پس [برای معذور نشان دادن خود] سخن
نمی گویند. (۸۵)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾

آیا ندانسته‌اند که ما شب را قرار داده ایم تا در آن بیارامند، و روز را روشن
نموده ایم [تا در آن به تلاش اقتصادی برخیزند؟] به راستی در این امور
برای مردمی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت
خدا] است. (۸۶)

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ^ج وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾

و [یاد کن] روزی را که در صور می دمند، پس هر که در آسمان‌ها
و هر که در زمین است دچار هراس شود، مگر کسی که خدا
بخواهد؛ و همه خوار و فروتن به پیشگاه او آیند، (۸۷)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ج
 صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ج إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا
 تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

و کوه‌ها را می‌بینی [و] آنها را [در جای خود] بی حرکت می‌پنداری، در حالی
 که آنها مانند ابر گذر می‌کنند. آفرینش خداست که [آفرینش] هر چیزی را
 محکم و استوار کرده است؛ یقیناً او به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۸۸)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ
آمِنُونَ ﴿٨٩﴾

آنان که کارهای خیر و نیک [به آخرت] بیاورند، پاداشی بهتر از آن
دارند، و آنان در آن روز از هول و هراسی بزرگ ایمن اند، (۸۹)

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾

و آنان که کارهای بد و زشت بیاورند به رو در آتش افکنده
می شوند؛ [و به آنان گویند:] آیا جز آنچه انجام دادید پاداشتان
داده اند؟ (۹۰)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾

من فقط فرمان یافته ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم
شمرده و همه چیز در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، بپرستم و
فرمان یافته ام که از تسلیم شدگان [فرمان‌ها و احکام او] باشم، (۹۱)

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ ۖ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ
ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿٩٢﴾

و اینکه قرآن را بخوانم؛ پس هر که راه یابد فقط به سود خود راه یافته است، و هر که گمراه شود [آثار شوم گمراهی فقط متوجه خود اوست] پس [به مردم] بگو: من فقط از بیم دهندگانم، (۹۲)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ
عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

و بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست؛ به زودی نشانه‌های خود را [که شکست
شما و گرفتاری‌های سخت دنیایی و مرگ و عذاب آخرت است] به شما
[مشرکان و کافران] نشان خواهد داد، پس آنها را [به خوبی] خواهید شناخت.
و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید، بی‌خبر نیست. (۹۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

طسم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این آیات [باعظمت] کتاب روشنگر است. (۲)

نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾

بخشی از سرگذشت [مهم] موسی و فرعون را برای [عبرت
گرفتن] مردمی که ایمان می آورند به حق و راستی بر تو
می خوانیم. (۳)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا
يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ^ج
إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾

همانا فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زبون گرفت، پسرانشان را سر می برید، و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود. (۴)

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته
شده بودند، نعمت های با ارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و
وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم. (۵)

وَنُמَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾

و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم، و به فرعون و هامان و سپاهشان که از ایشان اند چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم. (۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ
فَالْقِيَهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾

و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که [از سوی
فرعونیان] بر او بترسی به دریایش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً
او را به تو باز می گردانیم، و او را از پیامبران قرار می دهیم. (۷)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ
وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿۸﴾

[مادرش به الهام خدا او را به دریا انداخت] پس خاندان فرعون او
را [از آب] گرفتند تا سرانجام، دشمنشان و مایه اندوهشان شود.
مسلماناً فرعون و هامان و سپاهیان آن دو خطاکار بودند؛ (۸)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ
عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

و همسر فرعون گفت: [این نوزاد] برای من و تو مایه شادمانی و خوشحالی
است، او را نکشید، امید است ما را سود دهد، یا وی را به فرزندی خود
بگیریم. ولی آنان آگاه نبودند [که دشمنشان را به دست خود می‌پرورند.] (۹)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا
 أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰﴾

و قلب مادر موسی [از هر چیز جز یاد فرزندش] تهی شد [و در اضطراب و نگرانی فرو
 رفت]. اگر قلبش را [با لطف خود] محکم و استوار نکرده بودیم تا از باورکنندگان وعده
 ما باشد، به درستی که نزدیک بود آن [حادثه پنهانی] را فاش کند، (۱۰)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ^طفَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾

و به خواهر موسی گفت: [اوضاع و احوال] او را پی گیری کن.
پس او موسی را از دور [در آغوش فرعونیان] دید در حالی که
خاندان فرعون [پی گیری او را] درک نمی کردند. (۱۱)

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى
 أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾

و ما پیش از آن [خوردن شیر] همه زنان شیردهنده را بر او حرام کردیم [تا پستان هیچ
 زنی را نگیرد،] پس [خواهرش پیش آمد و] گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای
 راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما به عهده گیرند و خیرخواه او باشند؟ (۱۲)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ
وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾

پس او را به مادرش برگردانیم تا خوشحال و شادمان شود و اندوه
نخورد و بداند که حتماً وعده خدا حق است، ولی بیشتر مردم [که
محروم از بصیرت اند این حقایق را] نمی دانند. (۱۳)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

چون به توانایی [جسمی و عقلی] خود رسید و رشد و کمال
یافت، به او حکمت و دانش دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش
می دهیم. (۱۴)

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ
يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِّنْ
شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِّنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ
هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

و [موسی] به شهر وارد شد در حالی که اهل آن [در خانه‌ها استراحت می‌کردند و از آنچه در شهر می‌گذشت] بی‌خبر بودند، پس دو مرد را در آنجا یافت که با هم [به قصد نابودی یکدیگر] زد و خورد می‌کردند، این یک از پیروانش، و آن دیگر از دشمنانش، آنکه از پیروانش بود از موسی بر ضد کسی که از دشمنانش بود درخواست یاری کرد، پس موسی مستی به او زد و او را کشت، گفت: این [نزاع میان آن دو] از عمل شیطان است، قطعاً او گمراه‌کننده و دشمنی‌اش آشکار است. (۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۖ إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾

گفت: پروردگارا! [از اینکه از جایگاهم درآمد و وارد شهر شدم] به خود ستم کردم [مرا از شر دشمنانم حفظ کن] و آمرزشت را نصیب من فرما. پس خدا او را آمرزید؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا
لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾

گفت: پروردگارا! به خاطر قدرت و نیرویی که به من عطا
کردی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم شد. (۱۷)

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ
بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ^ج قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ

مُبِينٌ^{۲۸} ﴿۱۸﴾

پس [موسی آن شب را] در آن شهر با حالت بیم و نگرانی صبح کرد، در حالی که [آثار و عواقب حادثه اتفاق افتاده را] انتظار می کشید؛ پس ناگهان دید آنکه دیروز از او یاری خواسته بود، دوباره وی را به فریادرسی می خواند، [موسی به او] گفت: همانا تو گمراهی آشکار هستی، [و گمراهیت از اینکه بدون قدرت و نیرو با فرعونیان به زد و خورد می پردازی، پیداست.] (۱۸)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى
 أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۖ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
 جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمَصْلِحِينَ ﴿١٩﴾

هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنان بود به سختی برخورد کند [و از آن
 بنی اسرائیلی مظلوم دفاع نماید، مرد ستمدیده با ارزیابی اشتباهش در حق موسی به تصور
 آنکه موسی قصد وی را دارد] گفت: ای موسی! آیا می خواهی مرا بکشی چنان که دیروز
 یک نفر را کشتی؟ تو می خواهی در این سرزمین فقط یاغی و سرکش باشی، و نمی خواهی
 از مصلحان به شمار آیی! (۱۹)

وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ
 الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لَيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ
 النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾

و مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی!
 اشراف و سران [فرعون] درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند!
 بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام. (۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

پس موسی ترسان و نگران در حالی که [حوادث تلخی را] انتظار
می کشید از شهر بیرون رفت، [در آن حال] گفت: پروردگارا! مرا
از این مردم ستمکار نجات بده. (۲۱)

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾

هنگامی که به سوی مدین روی آورد، گفت: امید است پروردگارم
مرا به راه راست [که انسان را به نتیجه مطلوب می‌رساند]
راهنمایی کند. (۲۲)

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ
 وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۖ قَالَتَا
 لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ ۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾

هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دام‌هایشان را آب می‌دادند، و غیر آنان دوزن را دید که [دام‌هایشان را از رفتن به سوی آب] باز می‌دارند؛ گفت: چه چیزی شما را بر بازداشتن [گوسفندان] و امی دارد؟ گفتند: ما [این دام‌هایمان را] آب نمی‌دهیم تا [این] شبانان [دام‌هایشان را] برگردانند و پدر ما پیری کهنسال است [به این علت از انجام این کار معذور است]. (۲۳)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ
إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾

پس [موسی] دام‌هایشان را [به جهت کمک کردن به آن دو] آب
داد، سپس به سوی سایه برگشت و گفت: پروردگارا! به آنچه از
خیر بر من نازل می‌کنی، نیازمندم. (۲۴)

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ
لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ
قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت شرم و حیا گام بر می داشت، نزد او آمد
[و] گفت: پدرم تو را می طلبد تا پاداش اینکه [دامهای] ما را آب دادی به تو بدهد.
چون نزد او آمد و داستانش را بیان کرد، گفت: دیگر نترس که از آن گروه ستمکار نجات
یافتی. (۲۵)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ^طإِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین
کسی که استخدام می کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد
[و او دارای این صفات است.] (۲۶)

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي
 ثَمَانِي حِجَجٍ ۖ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ
 أَشُقَّ عَلَيْكَ ۚ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو درآورم به شرط آنکه هشت سال
 اجیر من باشی، و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش با خودتوست [و ربطی به اصل
 قرار داد ندارد]، و من نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم، و به خواست خدا مرا از شایستگان
 خواهی یافت. (۲۷)

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ^ط أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ^ط وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

[موسی] گفت: این قرارداد میان من و تو باشد، هر یک از این دو مدت را به پایان برم هیچ تعدی و ستمی بر من نیست، و خدا بر آنچه می‌گوییم، نگهبان و وکیل است. (۲۸)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ
 الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمُ
 مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾

چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده اش رهسپار [مصر] شد، از جانب
 طور آتشی دید، به خانواده اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم، [می روم]
 شاید خبری از آن برای شما بیاورم یا پاره ای از آتش را می آورم تا گرم شوید. (۲۹)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾

چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از
آن درخت ندا رسید که ای موسی! یقیناً منم خدا پروردگار
جهانیان، (۳۰)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ
الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تند و سریع حرکت می کند، گویا ماری
باریک و تیزرو است، پشت کنان گریخت و به پشت سر برگشت. [ندا آمد: ای
موسی! پیش آی و مترس، بی تردید تو [از آسیب و گزند آن] در امانی، (۳۱)

اسْأَلْكَ يَدَّكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ
 وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۖ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ
 رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾

دست را در گریبانست ببر تا بدون هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید، و برای [از بین رفتن] ترسی که دچارش شده ای دو دست را بر سینه بگذار، پس این دو معجزه از ناحیه پروردگار توست به سوی فرعون و اشراف و سران او که همواره مردمی نافرمان هستند. (۳۲)

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾

گفت: پروردگارا! من یک نفر از آنان را کشته ام، می ترسم مرا

بکشند، (۳۳)

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا
يُصَدِّقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾

و برادرم هارون زبانش از من گویاتر است، پس او را همراه من
بفرست که یاور و دستیارم باشد تا [در همه امور] مرا تصدیق
کند؛ زیرا می ترسم [فرعون و فرعونیان] تکذیبم کنند. (۳۴)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا^ج بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿٣٥﴾

[خدا] گفت: به زودی قدرت و نیرویت را به وسیله برادرت افزون کنم، و برای هر دوی شما به خاطر معجزات ما [که در اختیارتان نهاده ام] قدرتی قرار می‌دهم که آنان به شما دست نیابند، شما و آنان که از شما پیروی کنند، پیروید. (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
مُفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾

پس هنگامی که موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی و دروغین نیست، و ما این [ادعای نبوت و دعوت به توحید] را از پدران پیشین خود نشنیده ایم [که به ما گفته باشند کسی در میانشان به عنوان پیامبر و دعوت کننده به توحید آمده باشد!!] (۳۶)

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ
تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۖ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾

و موسی گفت: پروردگارم به کسی که از نزد او هدایت آورده و به
کسی که سرانجام نیک برای اوست داناتر است؛ بی تردید
ستمکاران پیروز نمی شوند. (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي
 فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي
 أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾

و فرعون گفت: ای اشراف و سران [مملکت]! من برای شما هیچ معبودی جز خود
 نمی شناسم، پس ای هامان! برایم بر گل آتش بیفروز [تا آجر محکم و قوی به دست
 آید]، پس برایم برجی بلند بساز شاید بر معبود موسی آگاهی و اطلاع یابم، و البته من
 او را از دروغگویان می پندارم. (۳۸)

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا
أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾

او و سپاهیانش به ناحق در زمین سرکشی و تکبر کردند، و
پنداشتند که آنان را به سوی ما باز نمی گردانند، (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾

پس او و سپاهیانش را گرفتیم و در دریا افکندیم؛ پس با تأمل
بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ (۴۰)

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا
يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾

و آنان را [به کفر طغیانشان] پیشوایانی که دعوت به آتش
می کنند قرار دادیم، و روز قیامت یاری نمی شوند، (۴۱)

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ
الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾

و آنان را در این دنیا با لعنت بدرقه کردیم، و روز قیامت از
زشت رویان [و مطرودان] از رحمت خدایند، (۴۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ
الْأُولَىٰ بِصَايِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

و پس از آنکه اقوام پیشین را [چون قوم نوح و هود و صالح و لوط]
هلاک کردیم، به موسی کتاب دادیم که برای مردم وسیله بینایی و
هدایت و رحمتی بود، تا متذکر و هوشیار شوند. (۴۳)

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ
وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾

تو در جانب غربی [وادی طور] حضور نداشتی هنگامی که ما [با]
نازل کردن تورات] امر نبوت موسی را به انجام رساندیم، و از
شاهدان [آن واقعه مهم هم] نبودی. (۴۴)

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا
فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾

ولی ما ملت‌هایی را پدید آوردیم، پس روزگار درازی بر آنان گذشت [تا جایی که سرگذشتشان فراموش شد، اکنون ما سرگذشتشان را به تو وحی می‌کنیم تا برای مردم بیان کنی]. و تو در میان مردم مدین ساکن نبودی تا نشانه‌های [قدرت و خشم] ما را [که به آنان رسید] بر اینان [که در مکه، آلوده به طغیان و فسادند] بخوانی، ولی ما بودیم که تو را به پیامبری فرستادیم [و سرگذشت مردم مدین را به تو وحی کردیم تا بر آنان بخوانی]. (۴۵)

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ
لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾

و زمانی که ما موسی را ندا دادیم، تو در ناحیه طور نبودی ولی به سبب رحمتی از
پروردگارت [سرگذشت موسی را به تو وحی کردیم] تا به مردمی که پیش از تو [تا زمان
عیسی] بیم دهنده ای برای آنان نیامده بود، بیم دهی تا متذکر و هوشیار شوند. (۴۶)

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا
لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾

و اگر نه آن بود که به سبب گناہانی که مرتکب شدند عذابی به آنان برسد، پس بگویند:
پروردگارا! چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا از آیات پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم
[بی تردید در عذاب کردن و هلاکتشان شتاب می نمودیم.] (۴۷)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا
 أُوتِيَ مُوسَىٰ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۖ
 قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ ﴿٤٨﴾

پس هنگامی که حق [چون قرآن و پیامبر] از سوی ما برای آنان آمد [به جای آنکه
 بپذیرند] گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او نداده‌اند؟ آیا پیش از این به آنچه به
 موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان
 یکدیگرند!! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم!! (۴۸)

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ
كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

بگو: [بنا بر ادعای شما چنانچه تورات و قرآن از جانب خدا
نیست] اگر راست می گوید کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت
کننده تر از این دو باشد تا آن را پیروی کنم. (۴۹)

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَمَنْ
 أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

پس اگر پاسخ تو را ندادند بدان که فقط از هواهای نفسانی خود پیروی می کنند و گمراه
 تر از کسی که بدون هدایتی از سوی خدا از هواهای نفسانی خود پیروی کند، کیست؟
 مسلماً خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۵۰)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾

ما این قرآن را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته [به صورت
سوره ای پس از سوره ای و آیه ای بعد از آیه ای] آوردیم تا متذکر
و هوشیار [حقایق] شوند. (۵۱)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

[و برخی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن

ایمان می آورند، (۵۲)

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا
مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾

و هنگامی که بر آنان خوانند، می گویند: به آن ایمان آوردیم، یقیناً این
قرآن از سوی پروردگارمان حق و درست است، البته ما پیش از نزول
آن [به سبب راهنمایی های تورات و انجیل] تسلیم بودیم. (۵۳)

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَذَرُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾

اینان به علت صبری که [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند و بدی
[مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می کنند و از آنچه به آنان روزی
کرده ایم، انفاق می نمایند، دو بار پاداششان می دهند. (۵۴)

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ
أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾

و هنگامی که سخن بیهوده ای بشنوند، از آن روی برمی گردانند و می گویند:
اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما، سلام بر شما [سلام متارکه]، ما
خواستار [همنشینی و معاشرت با] نادانان نیستیم. (۵۵)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ
أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

قطعاً تو نمی توانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه
خدا هر که را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت پذیران
داناتر است، (۵۶)

وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا ۚ أَوَلَمْ
نُمْكِنَ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا
مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

و [مشرکان برای معذور بودن خود در نپذیرفتن هدایت] گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت [قرآن] پیروی کنیم [به وسیله مشرکان قلدر عرب] از سرزمینمان [شهر مکه] ربوده خواهیم شد! آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که همواره [در همه فصول سال] هر نوع میوه و محصولی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش [نسبت به واقعیات] ندارند. (۵۷)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا^ط فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ
تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا^ط وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾

چه بسیار [اهل] شهرهایی را که [به سبب فراوانی نعمت] در زندگی خود گرفتار
سرمستی و طغیان شده بودند، هلاک کردیم، پس این ها خانه های ایشان است که پس
از آنان [خراب و ویران شده و] جز اندکی مورد سکونت قرار نگرفته اند، و فقط ما وارث
آنان هستیم! (۵۸)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا
ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آنکه [پیش از نابودی] در مرکز
آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند، و ما [در هیچ حالی از احوال]
نابودکننده شهرها نبوده ایم مگر در حالی که اهلش ستمکار بوده‌اند. (۵۹)

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۚ وَمَا
عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾

آنچه به شما داده شده کالا و ابزار زندگی دنیا و زینت آن است، و
آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۶۰)

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾

پس آیا کسی که وعده نیک به او داده ایم و حتماً به آن خواهد رسید، مانند
کسی است که او را [فقط] از کالا و ابزار زندگی دنیا برخوردارش کرده ایم،
سپس او در روز قیامت از احضار شوندگان [برای عذاب] است؟! (۶۱)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾

و [یاد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می دهد و می گوید:
کجايند معبودانی که می پنداشتيد شریکان من [در ربوبیت]
هستند؟ (۶۲)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا
 أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا
 يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾

کسانی که عذاب بر آنان حتمی و لازم شده [از سردمداران شرک و کفر که مردم را به اطاعت و بندگی خود وا داشتند] می گویند: پروردگارا! اینانند [مطیعان ما] که گمراهشان کردیم، همان گونه که ما [به اختیار خود] گمراه شدیم آنان را نیز [به اختیار و انتخاب خودشان] گمراه کردیم، [از آنان] به سوی تو بیزاری می جوییم، ما را نمی پرستیدند، [بلکه هوای نفسشان را می پرستیدند،] (۶۳)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأُوا
الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

و [به مطیعان] گفته شود: شریکان خود را [که می پرستیدید] بخوانید.
پس آنها را می خوانند ولی آنها پاسخشان را نمی دهند، و عذاب را
می بینند و آرزو می کنند که ای کاش هدایت می یافتند، (۶۴)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾

و روزی که خدا آنان را ندا می دهد و می گوید: چه پاسخی

به پیامبران دادید؟ (۶۵)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾

پس در آن روز [به خاطر ترس و هراس فراگیر و به سبب محجوب بودن دل‌هایشان و قطع رابطه آنان با علل و اسباب، همه] اخبار [واقعی] بر آنان پوشیده ماند [و راه نجات از همه طرف بر آنان مسدود است]، بنابراین از یکدیگر پرسش هم نمی‌کنند، (۶۶)

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ
الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾

و اما کسی که [از شرک و عصیان] توبه کرده و ایمان آورده و کار
شایسته انجام داده، امید است که از رستگاران باشد، (۶۷)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾

و پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و [آنچه را بخواهد] بر می گزیند،
 برای آنان [در برابر اراده او در قلمرو تکوین و تشریع] اختیاری نیست؛ منزّه
 است خدا و برتر است از آنچه برای او شریک می گیرند، (۶۸)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾

و پروردگارت آنچه را سینه‌هایشان پنهان می‌نماید و آنچه را

آشکار می‌کند، می‌داند (۶۹)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ
وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۷۰﴾

و اوست خدا که معبودی جز او نیست، همه ستایش ها در دنیا و
آخرت ویژه اوست، و فرمانروایی فقط برای اوست، و تنها به سوی
او بازگردانده می شوید. (۷۰)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۖ أَفَلَا
تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾

بگو: به من خبر دهید، اگر خدا شب را بر شما تا روز قیامت
پاینده و جاوید کند، کدام معبودی است جز خدا که برای شما
روشنایی بیاورد؟ پس آیا [دعوت او را] نمی شنوید؟ (۷۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا
تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾

بگو: به من خبر دهید اگر خدا روز را بر شما تا روز قیامت پاینده و
جاوید کند، کدام معبودی است جز خدا که شبی را برای شما بیاورد تا
در آن بیارامید؟ پس آیا [آثار قدرت او را] نمی بینید؟ (۷۲)

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

و از رحمت خود شب و روز را برای شما قرار داد، تا در شب
بیارامید و [در روز] رزق و روزی بجوید، باشد که سپاس گزاری
کنید. (۷۳)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾

و [یاد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می کند و می گوید: کجایند
معبودانی که می پنداشتید شریکان من [در ربوبیت] هستند؟
(۷۴)

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا
أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾

و از هر امتی گواه مطلع و آگاهی [چون پیامبر یا امام معصوم یا شخصی عادل و صالح] بیرون می آوریم، و [در محضر او به امت] می گوئیم: دلیل خود را [بر درستی آیین شرک] بیاورید. پس برای آنان یقینی شود که بی تردید حق [یعنی توحید] ویژه خداست، و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا] می ساختند از دستشان می رود و گم می شود. (۷۵)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ
الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ
لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾

همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد، و از گنجینه‌های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می‌آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی مکن، قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد. (۷۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ
الدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِنْ ۖ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي
الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۷۷﴾

در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از
دنیا فراموش مکن، و نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، و در
زمین خواهان فساد مباش، بی تردید خدا مفسدان را دوست ندارد. (۷۷)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۚ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ
 أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ
 جَمْعًا ۚ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

گفت: جز این نیست که این [ثروت و مال انبوه] را بر پایه دانشی که نزد من است به من داده‌اند. آیا نمی‌دانست که خدا پیش از او اقوامی را هلاک کرده است که از او نیرومندتر و ثروت اندوزتر بودند؟ و مجرمان [که جرمشان معلوم و مشهود است] از گناهانشان بازپرسی نمی‌شود. (۷۸)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ^ط قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ
عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾

[قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنانکه
خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون
داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است. (۷۹)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ
وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده بود، گفتند: وای بر شما
پاداش خدا برای کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند
بهتر است. و [این حقیقت الهیه را] جز شکیبایان در نمی‌یابند. (۸۰)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾

پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و هیچ گروهی غیر از
خدا برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و
خود نیز نتوانست از خود دفاع کند. (۸۱)

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئِنَ اللَّهُ
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ ۖ لَوْلَا أَنْ مَنَّ
اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَاهُ ۖ وَيَكَآئِنَ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾

و بامدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که]
می گفتند: وه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگان بخواند وسعت می دهد، و
[برای هر که بخواند] تنگ می گیرد، اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین
فرو برده بود، وه، گویی کافران رستگار نمی شوند. (۸۲)

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي
الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۚ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

آن سرای [پرازش] آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در
زمین هیچ برتری و تسلط و هیچ فساد را نمی خواهند؛ و
سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است. (۸۳)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ^طوَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا
يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

هر کس کار نیکی [به پیشگاه خدا] بیاورد، پاداشی بهتر از آن برای اوست، و
هر کس کار بدی بیاورد [پس بداند آنان که کارهای ناشایسته انجام داده‌اند]
جزا داده نمی‌شوند مگر آنچه را همواره انجام می‌داده‌اند. (۸۴)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ ۚ قُلْ رَبِّي
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾

یقیناً کسی که [ابلاغ و عمل کردن به] قرآن را بر تو واجب کرده است، حتماً تو را به بازگشت گاه [رفیع و بلند مرتبه ات، شهر مکه] باز می گرداند. بگو: پروردگارم به کسی که هدایت را آورده است و به کسی که در گمراهی آشکاری است، داناتر است. (۸۵)

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ
رَبِّكَ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾

و تو امید و انتظار نداشتی که این کتاب بر تو القا شود، لکن
رحمتی از سوی پروردگارت بود [که بر تو القا شد]؛ پس هرگز
پشتیان کافران مباش، (۸۶)

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ ۖ وَادْعُ إِلَىٰ
رَبِّكَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾

و مبادا [کفر پیشگان لجوج] تو را از [ابلاغ] آیات خدا پس از
آنکه به سوی تو نازل شد باز دارند، و به جانب پروردگارت دعوت
کن، و هرگز از مشرکان مباش، (۸۷)

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ
إِلَّا وَجْهَهُ ۚ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۸﴾

و با خدا معبودی دیگر مخوان، جز او معبودی نیست، هر چیزی
مگر ذات او هلاک شدنی است، فرمانروایی [بر همه جهان
هستی] ویژه اوست، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

الم (۱)

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا
يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها
می‌شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد
آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (۲)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^ط فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾

در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد. (۳)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا ۚ سَاءَ مَا
يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾

آیا آنان که مرتکب زشتی‌ها می‌شوند، پنداشته‌اند که می‌توانند بر
ما پیشی گیرند [تا از مجازات و عذاب زشت کاری‌هایشان
بگریزند؟! چه بد داوری می‌کنند. (۴)]

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٥﴾

هر که امید دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را دارد [باید در عرصه
طاعت و عبادت بکوشد]؛ زیرا زمان معین شده [از سوی] خدا [که
روز قیامت است] حتماً آمدنی است؛ و او شنوا و داناست. (۵)

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ
الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

و کسی که [در راه خدا] بکوشد فقط به سود خودش
می کوشد؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. (۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، گناهانشان
را قطعاً از آنان می‌پوشانیم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام
می‌داده‌اند، پاداششان می‌دهیم. (۷)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۖ وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ
بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ
فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی کردن سفارش کرده ایم؛ و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [و بدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن. بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را به آنچه همواره انجام می داده اید، آگاه می کنم. (۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي
الصَّالِحِينَ ﴿٩﴾

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
حتماً در زمره شایستگان در می‌آوریم. (۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ
النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا
مَعَكُمْ ؕ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا ایمان آوردیم. پس هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار شوند، شکنجه و آزار مردم را مانند عذاب خدا [غیر قابل تحمل] شمارند [و از بیم ادامه یافتنش از ایمان دست بر می دارند]، و اگر از سوی پروردگارت یاری و نصرتی [چون پیروزی و غنیمت] بیاید، [به مؤمنان] قاطعانه می گویند: ما هم با شما بودیم. آیا [حال آنان از دید خدا پنهان است] و خدا به آنچه در سینه های جهانیان است [از همه] آگاه تر نیست؟ (۱۰)

وَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿١١﴾

و یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده اند، می شناسد و بی

تردید منافقان را نیز می شناسد، (۱۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ
خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ ﴿١٢﴾

و کافران به مؤمنان گفتند: از راه ما پیروی کنید تا ما [اگر آخرتی و عذابی در کار باشد]
گناهان شما را به عهده گیریم. و آنان [به اختیار خود] بر عهده گیرنده چیزی از گناهان
اینان نیستند، آنان یقیناً [در پیشنهادی که به مؤمنان می دهند] دروغگویند، (۱۲)

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ^ط وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾

و مسلماً بارهای [گناهان] خود را با بارهای دیگری [از گناهان کسانی که گمراهشان کردند] همراه با بارهای خود حمل خواهند کرد، و روز قیامت از آنچه [به خدا و پیامبر و قرآن] افترا می‌بستند، حتماً بازپرسی خواهند شد، (۱۳)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا
خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٤﴾

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس نهصد و پنجاه سال در
میانشان درنگ کرد [ولی بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند]، سرانجام
توفان آنان را در حالی که ستمکار بودند، فرا گرفت. (۱۴)

فَأُنْجِيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾

پس او و اهل کشتی را نجات بخشیدیم و آن [حادثه] را

عبرتی بسیار مهم برای جهانیان قرار دادیم. (۱۵)

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ۖ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾

و ابراهیم را [نیز فرستادیم] آن گاه به قومش گفت: خدا را پرستید
و از او پروا کنید، این برای شما بهتر است، اگر بدانید؛ (۱۶)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ
اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾

جز این نیست که شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و [در نامگذاری آنها به آلهه و شفیع و مؤثر] دروغی را می‌سازید، بی تردید کسانی را که به جای خدا می‌پرستید، رزقی را برای شما مالک نیستند [تا آن را به شما برسانند]، پس رزق را نزد خدا بجوید و او را بندگی کنید و او را شکر کنید که [فقط] به سوی او بازگردانده می‌شوید، (۱۷)

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ
إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾

و اگر [مرا] تکذیب کنید [چیز جدیدی نیست]؛ زیرا امت‌هایی
پیش از شما نیز [پیامبران را] تکذیب کردند، و بر عهده پیامبر جز
رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ
اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾

آیا ندانسته‌اند که چگونه خدا مخلوقات را می‌آفریند سپس آنان را
[پس از مرگشان] باز خواهد گرداند، یقیناً این [کار] بر خدا آسان
است. (۱۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ
يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را
آفرید، سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می کند؛ زیرا خدا بر هر
کاری تواناست، (۲۰)

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾

هر کس را بخواهد عذاب می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت

قرار می دهد، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۱)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۖ وَمَا لَكُمْ
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾

و شما نه در زمین و نه در آسمان نمی توانید خدا را عاجز کنید [تا
از دسترس قدرت او بیرون روید]، و شما را به جای خدا هیچ
سرپرست و یاورى نیست، (۲۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي
وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾

و کسانی که به آیات خدا و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به
وسیله] او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوسند و برای آنان
عذابی دردناک است. (۲۳)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾

پس جواب قوم ابراهیم جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا
بسوزانیدش. پس خدا او را از آن آتش رهایی بخشید، مسلماً در
این [حادثه] برای مردمی که ایمان دارند، عبرت‌هاست، (۲۴)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم
بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٢٥﴾

و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که به جای خدا بتهایی را [برای خود به عنوان معبود] گرفته اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست، سپس روز قیامت برخی از شما برخی دیگر را انکار می کنند، و بعضی از شما بعضی دیگر را لعنت می نمایند، و جایگاه شما آتش است، و برای شما هیچ یآوری نخواهد بود. (۲۵)

فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾

پس لوط به ابراهیم ایمان آورد، و [ابراهیم] گفت: به درستی که
من به سوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم، که فقط او توانای
شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ
وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و پیامبری و کتاب را در
نسلش قرار دادیم و پاداشش را در دنیا به او دادیم، و بی تردید او
در آخرت از زمره شایستگان است. (۲۷)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا
مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾

و لوط را [نیز فرستادیم]، آن گاه به قومش گفت: شما کار بسیار
زشتی مرتکب می شوید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان آن را
انجام نداده اند. (۲۸)

أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي
نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ ۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا
بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾

آیا شما با مردان آمیزش می کنید و راه [توالد و تناسل] را قطع می نمایید و در
محفل عمومی خود [در انظار یکدیگر] این کار بسیار زشت را مرتکب
می شوید. پس جواب قوم او جز این نبود که گفتند: اگر تو از راستگویانی
عذاب خدا را برای ما بیاور. (۲۹)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

گفت: پروردگارا! مرا بر این مردم فسادکار یاری ده. (۳۰)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ
هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾

و زمانی که فرستادگان ما با بشارت [ولادت اسحاق] نزد ابراهیم
آمدند، گفتند: ما یقیناً اهل شهر را نابود می کنیم؛ زیرا اهل آن
ستمکارند. (۳۱)

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا ۚ قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا ۖ لَنُنَجِّيَنَّهُ
وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٢﴾

گفت: لوط در آنجا است. گفتند: ما به کسانی که در آنجا هستند،
داناتریم، حتماً او و خانواده اش را نجات می دهیم، مگر همسرش
را که از باقی ماندگان خواهد بود، (۳۲)

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا
وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا
أَمْرًا تَكُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند به سبب [حضور] آنان [به صورت جوانانی آراسته]
بد حال و بی طاقت شد، و گفتند: مترس و غمگین مباش، قطعاً ما نجات دهنده تو و
خانواده ات هستیم، مگر همسرت را که از باقی ماندگان خواهد بود، (۳۳)

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾

ما بر اهل این شهر به علت کار بسیار زشتی که مرتکب
می شوند، عذاب سختی از آسمان نازل خواهیم کرد. (۳۴)

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾

[پس با عذاب آسمانی، شهر و اهلش را در هم کوبیدیم] و از آن
شهر نشانه ای روشن [از سنگ‌هایی که بر سر اهلش فرو باریدیم]
برای مردمی که می‌اندیشند، بر جای گذاشتیم. (۳۵)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾

و نیز به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم؛ پس گفت: ای
قوم من! خدا را پرستید و روز قیامت را انتظار برید و در زمین
تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۳۶)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمْ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
جَاثِمِينَ ﴿٣٧﴾

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه زلزله سختی آنان را فرا گرفت،
پس در خانه‌هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند، (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ^ط وَزَيْنَ لَهُمُ
الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا
مُستَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

و [قوم] عاد و ثمود را [نیز نابود کردیم]، و از خانه‌های [خراب شده و خالی] آنان
[سرنوشت شومشان] برای شما نمایان است، و شیطان عمل‌های [زشت] آنان را
برایشان آراست، در نتیجه آنان را از راه [خدا] باز داشت در حالی که [برای تشخیص
حق از باطل] بصیرت داشتند. (۳۸)

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾

و قارون و فرعون و هامان را [نیز نابود کردیم]. و همانا موسی برای آنان دلایل روشن آورد، پس آنان در زمین تکبر و سرکشی کردند، ولی پیشی گیرنده [بر اراده و قضا و قدر ما] نبودند [تا بتوانند از عذاب ما بگریزند]. (۳۹)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ
 أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ
 أَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ

يُظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾

پس همه را به گناهانشان گرفتیم، بر برخی از آنان توفانی سخت [که با خود ریگ و
 سنگ می آورد] فرستادیم، و بعضی را فریاد مرگبار گرفت، و برخی را به زمین فرو
 بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ و خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که
 به خودشان ستم کردند. (۴۰)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
اتَّخَذَتْ بَيْتًا^ط وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ^ط لَوْ
كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته‌اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه ای [بی دیوار، بی سقف و بی حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی تردید سست ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت‌ها را سرپرستان خود نمی‌گرفتند.] (۴۱)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾

یقیناً خدا می داند به جای او چه چیزهایی را می پرستند [چیزهایی
که نه دارای ارزش و اعتبارند و نه قدرت تصرف در کاری را
دارند!!] و فقط او توانای شکست ناپذیر و حکیم است، (۴۲)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا
الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾

و این مثل ها را برای مردم می زنیم، ولی جز اهل معرفت و
دانش در آنها تعقل نمی کنند. (۴۳)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾

خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ یقیناً در این [آفرینش] نشانه‌ای
[بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای مؤمنان است. (۴۴)

اَنْلُ مَا اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ اِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ
مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار،
یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می دارد؛ و همانا ذکر
خدا بزرگ تر است، و خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. (۴۵)